

## ما نه در احساس تحقیر شدگی تنهائیم و نه در مبارزه برای سربلندی!

موج گسترده اعتراضات مردم شهرهای آذربایجان بر علیه روزنامه دولتی ایران، بیانگر وضعیت بحرانی و آماده انفجار در سراسر میهنمان است. خشونت و سرکوب پاسخ یکسانی است که حکومت اسلامی برای تمامی مردم سرخورده و به خشم آمده‌مان در سراسر ایران دارد. مردم هیچ یک از نقاط ایران از کرد و بلوچ و ترکمن و آذری در این احساس سرخوردگی و خشم تحقیر تنها نیستند. باید از اصل و نسب آن جوان کاریکاتوریست روزنامه ایران پرسید و جویا شد که پدر و مادر و آبا و اجدادش پیش از این در کدام قسمت از ایران می‌زیسته‌اند و از کدام دیار این آب و خاک آمده‌اند و قبل از آن که پیشینیان و نیاکانش فارسی را بیاموزند، به کدام زبان تکلم می‌کرده‌اند.

جامعه‌ای که در چهارگوشه خود سردر گریبان فقر و فلاکت و ناامنی دارد و مردم آن از درد تبعیض و سرکوب به خود می‌پیچند، هر گوشه و تکه آن به مخزن باروتی می‌ماند که با یک جرقه یکپارچه آتش خواهد شد. و رژیم می‌کند که اساساً خودش به تنهائی برای همه ایرانیان یک تحقیر ملی است، در برابر تبریزیان و اهل ارومیه همان خواهد کرد که پیش از این بر علیه دیگران در نقاط دیگر کشورمان کرده است. رانندگان اعتصابی شرکت واحد تهران را به یاد بیاوریم. به زنان دلاور تهرانی در روز جهانی زن در پارک لاله بیاندیشیم. تصویر سرکوب وحشیانه دانشجویان اصفهان، شیراز و تهران و تبریز در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و یاد حمله شبانه و ددمنشانه نیروهای امنیتی و پلیسی رژیم به خوابگاه دانشجویان کرج در سالگرد ۱۸ تیر را در چشم خود زنده کنیم. پیکرهای پاره پاره جوانان کردستان، کشتار وحشیانه مردم اهواز و بلوچستان..... و چند نمونه دیگر لازم است که هموطنانمان در تبریز و سایر نقاط آذربایجان و آذربایجانی‌های سراسر ایران خود را در وهن و زشتی این تحقیر تنها احساس نکنند. و چند تجربه دیگر برای وطن دوستان ایرانی لازم است که خود را در احساس سرخوردگی و خشم امروز آذری‌هایمان انباز دانسته و همراه آنان و مردم سایر نقاط کشورمان به درمان ریشه درد یعنی برچیدن بساط رژیم سرکوب و تبعیض بیاندیشند.

راه دفاع از خود و راه سبک کردن خود از زیر بار فشار تحقیر و خفت تن دادن بیش از یک ربع قرن به حکومتی سرکوبگر، گرفتن پیکان حمله، دشنام و تحقیر به سوی یکدیگر نیست. راه دفاع از منافع ملی ایران از مسیر طنز و تحقیر و توهین گوناگونی‌های قومی، زبانی، مذهبی‌مان نمی‌گذرد. در مقابله با تحقیری که هر روزه بر ما چه در عرصه‌های زندگی فردی، خصوصی و اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داخلی و چه در برابر بیگانگان و در چشم جهانیان می‌رود، ما نیازمند پیروزی در میدان نبرد برای آزادی هستیم. پیروزی بر رژیم می‌کند که ریشه همه دردهاست. پیروزی در عرصه نبرد برای بازگرداندن کرامت انسانی به انسان ایرانی از هر قوم، جنسیت، مذهب و مرام و اعتقاد. که در همراهی و اتحاد و یکپارچگی بدست آید. رشته‌های پیوند و یگانگی میان ما را محکم‌تر می‌کند.

جنبش رفراندم ایران